

پیامبر رسالت جهانی خود را

اعلام میکند

جعفر سبحانی

پیمان پیامبر باقریش در زمین و حبیبه و فکر رسالت را از ناحیه حبیب (مکه) آورده ساخت، و در پی تو این آراءش گروهی از سران عرب به آئین اسلام گرویدند، و در این هنگام پدرش گرامی سلسلایان فرستاد مقرر شد روزی با تمام اعدایان وقت در نماز قیام و در هر استسفی مسیحی آن روز با یکدیگر بیاید بازآمده، و آئین خود را که آن روز از او گرفته شد عقیقه ساهه گام فراتر نهد و پیوسته بماند آئین جهانی بدآمده بود و میتوانست همه را زیر لوای توحید و تاملیم عالی استماعی و اخلاقی خود کرده آورد (بمطالعه جهان آن روز در بعد است).

این نخستین گامی بود که پیامبر پس از ۹۰ سال گشکشی باقریش لوجج برداشته بود اگر دشمنان داخلی، او را با خبردهای خویش خود مقبول نیبیا نهند، او پیش از این وقت دست دعوت ملل در دست میزد، ولی به خاطر آنکه حملات ناجوانمردانه عربان و امپراتور ساجسته بود، که بکجه قسمتیم از وقت خود را به امر دفاع از حوزه اسلام صرف نماید.

نامه‌هایی که پیامبر اکرم بنوان دعوت اسلام به امر او سلالین، و رساله‌هایی از دست‌نویسهای برجسته‌ترین و سیاسی نوشته، از روش دعوت او سالی است، و اکنون حدود ۳۰۰ نامه از منون نامه‌های پیامبر که بنوان تبلیغ و دعوت با اسلام و پیامی است، در دسترس داریم و محدثان و تاریخ‌نویسان آنها را حفظ کرده‌اند. همان‌ها نامها سالی است که روش اسلام قدر دعوت و تبلیغ، منتقل و برهان بوده نه جنگ و مشیر، روزی که پیامبر از حیلان قریش منسوخ گردید باقرستان نامعوازم بندگان نامعین خود را بگوشی جهان رسانید، بنون این نامها و حقایق و دلایل و اشاراتیکه در لایای این نامه‌ها نهفته، و سالیخ و اندرزهای هیولت و ریشیانی که پیامبر در موقع پیش بردن یا ملل بیگانه از خود نداده، همه و همه گواهی‌دهنده بر عدل و نظریه خاورشناسانی است که جبهه اسلام را با همسایگان ناروای خود پوشانید و پیوسته اسلام را زاننده نیزه و مشیر میدانند، ما می‌توانیم که روزی بتوانیم ترجمه بنون تمام این نامه‌ها و حوادثی را که در پیرامون آنها رخ داده و نوشتن آنها را اجاب کرده، بطور جالبی برشته تحریر برد آوریم.

و از این طریق روش اسلام را در آئین خود در نقاط مختلف جهان روشن سازیم.

رسالت پیامبر جهانی بوده

گروهی از یخیزدان به رسالت جهانی او اذغیر نریدند و شک میگردید، و در این نریدید، از یک سلسله تمهاتی که برخی از نویسندگان مزدور سر میبندند، پیروی مینمایند و سر دسته آنها خاورشناسانی مانند ه سر ویلیام موریه است که میگوید: موضوع عمومیت رسالت «صید» بعدها بر وجود آمد، و محققان هنگام بحث تا زمان وفات خود فقط مریب را با اسلام دعوت میکرد، و بعد بعد مریستان جایی را تمیضاخته.

این نویسنده انگلیسی از شیوه خاص انگلیسیا پیروی کرده، و در برابر آیات زیادی که گواهی میدهند که او عموم جهان را دعوت نمود رسالت خود میکرد، بهره بر روی سقااق افکنده و میگوید: او فقط مریب را دعوت نکرد و ما در اینجا برخی از آیات را که شهادت میدهند که رسالت پیامبر اسلام بر اساس دعوت جهانیان استوار بوده، میآوریم و شما میتوانید مشروح این قسمت را در کتابهای عقاید اسلامه بفرمایید، اینکه منو در چند آیه است.

۱. ای مردم (دقت بفرمایید نمیگوید ای عربها) من فرستادم خدا سوی همه شماها (البکم جمیعاً) (احزاب ۱۵)
۲. ای محمد (ص) ما تراری همه مردم بشیر و ملذ (بشارت میدهم به همه) فرستادم ما (۱)
۳. ای کاتبان در اسبکه یاد آوری برای جهانیان قرارداد اعلام (۲)

۴. هر کس آئینی جز اسلام بپذیرد از او بشیرفته نخواهد شد (۳) این آیه تمام ادیان جز اسلام را از رسمیت باخاسته و همه بر دین ما مطلق حیزاده که پس از نزول این آیه از آئین اسلام پیروی نمایند.

۵. تو ای محمد ای مریب اشانی را از خشم خداوند بترسانی (۴)
۶. او است که پیامبر خود را با هدایت و دین پایدار می فرستاد، تا پیامبر خود و آئین پایدار

- (۱) وما ارسلناک الا کافه للناس بشیراً و نذیراً (سبا ۲۸)
- (۲) و ما عوالا ذکر للناسین (قلم ۵۲)
- (۳) و من ینبع غیر الاسلام دنیا فلن یقبل منه (الاعراف ۸۵)
- (۴) لیلذمن کان حیاً (یس ۷۰)

امرا و را بر تمام ادیان غالب سازد و اگر جهش گان نخواهند (۱)

اکنون ما از این نویسنده انگلیسی سؤال میکنیم: با این دعوت‌های جهانی که در این آیات منعکس است، چگونه اوست؟ موضوع صومیت جهانی بعد از پیش آمده است و آیا این آیات و آیه‌های دیگر و پیغمبر اسلام در سر زمین‌های دوردست، و متون نامه‌های آنحضرت که در صفحات تاریخ ضبط است حتی عین برخی از نامه‌ها که برای دعوت اجانب، نقاط دوردست نوشتند و تا کنون محفوظ مانده در زینت بخش دوره‌های جهان گردیده است، حاکی از اتمیت دعوت و رسالت جهانی اوست؟!

نویسنده با کمال وقاحت مینویسد: محمد جز در بستان (حجاز) سای دیگری را نیفشاخت در صورتیکه او در سن ۱۶ سالگی همراه عموی خود بشام رفته و در سن جوانی بازار گاتی خرید و بجه را از مکه تا بشام برده داشت و همراه کاروان تجارت میرفت.

راستی ما هر موقع در تاریخ میخوانیم که یک جوان یونانی (اسکندر مقدونی) بخواست فرما را بر وی جفا شود، و یاسی شنویم که ناپلئون در سر میپرو و بانک امپراتوری جهانی تشکیل دهد، هرگز تعجب و استعجاب با دست نمیدهد ولی هر موقع دسته‌ای از خاورشناسان بشنوند که رهبر بزرگ مسلمانان بفرمان خداوند دوام بر اتور بزرگ جهانی را که قوم‌وی با ملت خود و امپراتور و رابض بازار گانی داشتند، تأثیر خود دعوت کرد، دست، با تعجب و تشکیک‌های بی‌اساس آرایک‌ها در مجال و ممتنع قلمداد میکنند.

پیگت رسالت در نقاط دوردست

پیامبر اسلام ساله دعوت زمامداران و پادشاهان سراسر عالم میداد و کشور ای بر یک نظر حساست روزی بیاران خود چنین فرمود: «ایمان منکی حاضر شوید تا درباره امر خطیری با شما مشورت کنم فردای آروز، پس از ادای فریضه صبح، پیامبر به بیاران خود چنین فرمود: بندگان خدا را آمیخت کنید، کسی که سرپرست امور مردم شد، در عبادت و راه‌های آنان نکوشید، خدا بپشترا بر آن حرام کرده است، شما را بپذیرید پیغمبر رسالت را در نقاط دوردست شوید، و ندای توحید را بسمع جهان بیان برسانید، ولی هرگز مانند شاهان گذران حضرت عیسی با من مخالفت نکنید از حضرتش سؤال کردند که آنها چگونه با عیسی (ع) برخورد مخالفت وارد شدند فرمود: اولین مانع من گروهی را مأمور ساخت که پیغمبر رسالت در نقاط عالم باشند، دسته‌ای که راه آنها نزدیک بود، فرمان‌ورا بپذیرفتند، ولی کسانی که راه آنها دور بود، از پذیرفتن فرمان‌وی سرپیچی کردند، پس شش نفر از ورزیده‌ترین افراد ارضی نامه‌هایی که رسالت جهانی آنحضرت در آنها منعکس بود به نقاط مختلف روانه کرد و سفیران هدایت در پهنای رعبا بر سر زمین‌های ایران و روم، حبشه، مصر و یمن و بحرین و حیره (اردن) شدند، و شروع جبران برخی (پیغمبر در صفحه ۷۱)

(۱) هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لظفره علی الدین کله لو کره المشرکون (توبه ۳۳)

(بقیه از صفحه ۱۶)

از نامه‌ها در آینده خواهید خواند (۱)

موقعی که نامه‌های رسول خدا بوسیله تومسنگان مخصوص آنحضرت تنظیم گردید افرادی که از وضع دربارهای آنروز اطلاع داشتند به پیامبر عرض کردند که باید زیر نامه‌ها راهبر فرمائید، زیرا زمامداران جهان نامه بنامها را (امضاء آنروز بوسیله مهر بود) نمیخواستند، از این نظر بدستور خود پیامبر انگشتری از شکره برای او تهیه گردید و جمله «محمد رسول الله» در سطر در آن حک شده بود و طرز حکاکی آن از اقرار بود که لفظ «الله» در بالا و «رسول» در وسط و «محمد» در زیر قرار گرفته بود، و این ترتیب و وقت برای حفظ از جعل و تزویر بود و خواننده باید امضاء از این شروع کرده و تا به لفظ الله برسد (محمد رسول الله) حتی با این اکتفا نکرد، و پاکت نامه را بوسیله سوم خاص (بجای لاکه امروز) چسباید و روی آن مهر زد (۲)

اوضاع جهان در روز ابلاغ رسالت جهانی

قدرت جهان در آنروز در قفسه دوامپراتوری بزرگ جهان بود، و رقابت و جنگ میان این دو قلب سابقه مندی داشت، نبرد مستمر میان ایران و روم از دوره هخامنشیان آغاز گردیده و از عهد ساسانیان ادامه داشت، خاور زمین در میان امپراتوری ایران بود، و سرزمین عراق و بین و بخشی از آسیای صغیر از اقامت و مستعمرات دولت ساسانیان ایران بشمار میرفت، دولت روم در آنروز بعد دیولوک شرقی و غربی تقسیم شده بود، زیر ادرسال ۳۹۵ میلادی (تئودوز کبیر) امپراتور روم کشور خود را میان دو سرش تقسیم کرد و دو کشور نام روم شرقی و غربی بوجود آورد، و روم غربی در سال ۴۷۶ به دست و جتھان ویرانهای شمال اروپا منقرض گردید، ولی روم شرقی که سرکر آن «قسطنطنیه» بود و شام و مصر را نیز در اختیار داشت در زمان ظهور اسلام در سیاست جهان راه دست داشت، تا اینکه در سال ۶۳۴ که قسطنطنیه دست سلطان محمد دوم (فاتح) گشوده شد، آفتاب روم شرقی غروب کرد، و بکلی منقرض گردید و سرزمین عربستان میان این دو قلب محصور بود، ولی از آنجا که ایامش کمالش نداشت، و مردم آن چادر نشین و منفرد بودند، هر دو امپراتور رغبت به تسخیر آن از خود نشان نمیدادند، و بخوت و بیادگیری و جنگهای آنها مانع از آن بود که با انقلاب و تحولات اساسی که در این کشور رخ میداد آگاه شوند و هرگز تصور نمیکردند که مملکت دور از سدن بر اثر قدرت ایمان به سازمان امپراتوری آنها خاتمه خواهد داد، و نقاط تاریکی که در سایه‌های بیادگیری آنها فرو رفته با فجر روشن اسلام مشور خواهد شد، اگر از سویه این مشعل قزو آن آگاهی پیامی کرد در ده همان آغاز اشتعال، آنرا خاموش مینماختند.

(۱) این مقام ج ۳ ص ۶۰۶ سیره ج ۳ ص ۲۷۱ (۲) سیره ج ۳ ص ۲۷۱